

سید قطب نویسنده معاصر مصر

اثر: دکتر علی منتظمی

از: دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

سید قطب به سال ۱۹۰۶ در یکی از روستاهای کشور مصر، در یک خانواده مذهبی بدنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد دانشگاه شد و در رشته زبان عربی به اخذ درجه لیسانس نائل آمد و به کار معلمی مشغول گشت و در ضمن به نویسندگی و کارهای علمی روی آورد. او در سفری که به آمریکا رفت در نوشته‌هایش از دنیای غرب و میاست خصمانه آنها انتقاد کرد. تا اینکه مجبور شد از کارهای آموزشی کناره بگیرد و به جماعت اخوان المسلمین پیوست و او بخاطر تحقق آرمان اسلامی والهی خود در ۱۹۵۴ بازداشت و به زندان محکوم شد. پس از آزادی از زندان مجدداً به جرم فعالیت‌های اسلامی دستگیر و از سوی دادگاههای مصر به اعدام محکوم گردید. و برکامه همه اعتراضات در ۱۹۶۶ حکم دادگاه در مورد او اجرا شد. آثار و نوشته‌های سید قطب به دو دسته ادبی شامل: نقد و تحلیل، قصه، تعلیم و تربیت بالغ بر ۱۲ کتاب و آثار دینی و اجتماعی: بالغ بر ۲۴ کتاب است.

از مهمترین آثار او: تفسیر فی ضلال القرآن در ۷ جلد، اسلام و صلح جهانی، ویژگیهای اندیشه اسلامی، آینده در قلمرو اسلام، عدالت اجتماعی در اسلام، نقد ادبی دینی را می توان نام برد که هر کدام چندین بار چاپ و منتشر شده است.

سید قطب نویسنده معاصر مصری در ۱۹۰۶ در یکی از روستاهای اسیوط مصر به

دنیا آمد. پدرش مردی متدین و پرهیزگار و مادرش از خانواده ای محترم و سرشناس بود. او دو خواهر به نامهای حمیده و آمینه و یک برادر کوچک به نام محمد داشت. پدرش رادركودکی ازدست داد و رسیدگی به مادر، برادر و خواهرانش وظیفه او شد. بایش آمدن چنین شرایطی سید مجبور شد رحل اقامت در قاهره افکند و با خانواده اش در آنجا زندگی کند، مرگ ناگهانی مادر در ۱۹۴۰ م او را دچار غم و اندوه سختی کرد. او در سلسله مقالاتی تحت عنوان "أماه" که آنها را در کتاب "الأطیاف الاربعه" منتشر ساخت، احساسات شدید خویش را در فقدان مادر و غم جانسوزی که بخاطر این مصیبت بر قلبش نشسته بود به تصویر کشید و از غربت و تنهایی سخن به میان آورد. سید در سنین نوجوانی به تحصیل دروس ابتدائی و مقدماتی و آموزش و حفظ قرآن مجید پرداخت. سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۹ دوران است که به قاهره رفت و پس از گذراندن دوره دبیرستان و از دانشکده "دارالعلوم" شد و به اخذ درجه لیسانس در ادبیات زبان عربی موفق شد، پس از فراغت مدتی را به تدریس تاریخ و جغرافیا و ادبیات زبان عربی و انگلیسی گذراند و مدتی نیز به عنوان بازرس فنی در آموزش و پرورش به کار مشغول شد^(۱)، اما به ظاهر محیطهای کاری اش طبع او را راضی نساخته، به زودی از ادامه کار منصرف می شود و به کار نویسندگی روی می آورد و چیزی نمی گذرد که مقالات و نوشته های او در کنار آثار بزرگانی چون طه حسین، عباس محمود عقاد، مطصفی صادق رافعی و..... در روزنامه های: الاهرام، الرساله و الثقافه چاپ و منتشر می شوند، مرحله سوم زندگی او یعنی سالهای ۱۹۳۹ آغاز شکل گیری شخصیت اسلامی و درخشیدن باورهای دینی او به شمار می رود. در سال ۱۹۳۹ مقاله ای با عنوان "التصویر الفنی فی القرآن" و "مشاهد القیامة فی القرآن" در مجله "المقتطف" نوشته و به زیباییهای فنی و ویژگیهای اعجاب انگیز برخی از آیات قرآن اشاره می کند. نتیجه، پی گیری این تحقیق به چاپ دو کتاب از او به نامهای: "التصویر الفنی فی القرآن" و "مشاهد القیامة فی القرآن" در ۱۹۴۶

می‌شود، در ۱۹۴۶ که عبدالله علی القصیمی کتاب "هذه هي الاغلال" رامی‌نگارد، ایمان و اعتقاد به خدا و ادیان رازیرسؤال می‌آورد، عده‌ای در مقام تأیید او برآمده و زبان به ستایش او می‌گشایند، سید با شدت به نوشته‌های مؤلف حمله کرده و از آرمانهای دینی و مذهبی دفاع و حمایت می‌کند. او در ۱۹۴۶ با انتشار مقاله‌ای به نام "مدارس للسخط" اوضاع جامعه مصر را مورد انتقاد قرار داده از مسلمانان دعوت می‌نماید تا برای اصلاحات عمومی در جامعه خویش به تلاش و فعالیت بپردازند. (۲)

سید قطب در سال ۱۹۴۸ برای مطالعه پیرامون برنامه‌های آموزشی و علمی به همراهِ یک هیات علمی از طرف دولت مصر به امریکارفته و مدت دو سال و نیم رادرایالت واشنگتن و کالیفرنیا می‌گذرانند. او در نامه‌ای که برای "توفیق الحکیم" قصبه نویسن و ادیب مشهور مصر می‌نویسد از حاکمیت ضد ارزش‌های آنجا نکوهش کرده و کتاب جدید او را به نام "الملک اودیپ" مورد حمله و انتقاد قرار داده و پیشنهاد می‌کند نویسنده مسائل طرح شده در کتاب را با آرمانهای اسلامی نه دیدگاه‌های یونانی مورد بحث و بررسی قرار دهد و در آینده نیز محورهای مطالب را از اسلام که از فلسفه خاص و مستقلی برخوردار است انتخاب و گلچین نماید. او پس از بازگشت از سفر برنامه‌های تحصیلی کشورش را که توسط انگلیسی‌ها تهیه شده بود مورد انتقاد قرار داده، خواستار تنظیم برنامه‌های آموزشی مبتنی بر قوانین اسلامی می‌گردد. سید همچنین از امریکا بخاطر سیاست خصمانه دنیای غرب پرده برداشته و برنامه‌های آموزشی آنجا را که موجب فساد فطرت و ویرانی خصائص پسندیده انسانی می‌شود مورد اعتراض شدید قرار می‌دهد. در کتاب "الاسلام ومشکلات الحضاره" با دلایل مستند و شواهد زنده خطر شیوع فساد و بی‌دینی رادرجوامع غربی بخصوص آمریکا گوشزد نموده و به جای آن راه حل‌های مناسبی از اسلام، در برابر این طرح‌های شیطانی ارائه می‌نماید. در این مرحله از سال‌های زندگی یعنی از ۱۹۵۱ تا ۱۹۶۵ و به دنبال همین اعتراضات و انتقادات از کارهای آموزشی کناره

گرفته، بیشتر به تحقیقات اسلامی و مسائل سیاسی می‌پردازد تا رسامابه جماعت "إخوان المسلمین" پیوسته و بنابه قول "عبدالحکیم عابدین" علیرغم آنکه سمت و عنوان چشمگیری در جماعت مزبور نداشت اما به عنوان یک متفکر و اندیشمند بزرگ و توانا مشهور می‌گردد و بابرعهده گرفتن سردبیری روزنامه "الدعوة" ارگان جماعت "إخوان المسلمین" به نشر عقاید اسلامی و آرمانهای والای دینی و الهی پرداخته و در کنار تلاشهای مطبوعاتی به نشر کتابهای: اسلام و صلح جهانی، این دین، آینده در قلمرو اسلام، ویژگیهای تصور اسلامی..... می‌پردازد. او به شدت به نغمه‌های جدائی دین از سیاست تاخته و مسائل دین ستیزی را که در آن زمان در ترکیه شایع گردیده بود مورد نکوهش قرار داده افسانه جدائی دین از سیاست را ساخته دست بیگانگان و دشمنان اسلام و قرآن می‌شمارد. به اعتقاد او اندیشه‌های مادی شرق و سرمایه داری دو عاملی بودند که دنیا را به پرتگاه سقوط و نیستی کشانده و برای بشریت راه نجاتی جز رو آوردن به اسلام و عمل به فرامین الهی آن وجود ندارد. سید به تفصیل این مطالب را در کتاب دستنویس خود به نام "امریکا التی شاهدت" مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد، او در جای دیگر سیاستهای آموزشی و سنتی "الأزهر" را مورد اعتراض قرار داده پیشنهاد می‌کند با توجه به رسالت آموزشی این مرکز علمی اقتضا دارد، فرهنگ متعالی اسلام را رشد داده بابر داشت صحیح از اسلام برای تمام جوانب زندگی همچون: احسان، زنتار، عبادات، کار، دستمزد، مالکیت، ثروت، اقتصاد، جامعه، سیاست، دولت، بازرگانی، پاداش، مجازات، ارائه طریق کند و با تطبیق مسائل اسلامی در زندگی روزمره موجبات سعادت دین و دنیای مسلمان را فراهم آورد. سید قطب برای تحقق آرمان اسلامی و الهی خود بی وقفه و سرسختانه می‌کوشید تا آنکه سرانجام در ۱۹۵۴ به جرم شرکت در ترور "جمال عبدالناصر" بازداشت و به پانزده سال زندان با اعمال شاقه محکوم می‌گردد. او ده سال از این مدت را در زندان "لیمان تره" گذراند و با وساطت رئیس

جمهور وقت عراق "عبدالسلام عارف" از زندان آزاد می شود ولی پس از یکسال یعنی در ۱۹۶۵ کتاب جدیدی به نام "معالم فی الطریق" به چاپ می رساند که مجدداً به همراه عده ای از اعضاء "اخوان المسلمین" دستگیر و در ۱۹۶۶ م از سوی دادگاه امنیتی دیوان عالی کشور به اعدام محکوم می گردد. با انتشار این خبر تظاهرات اعتراض آمیزی در نقاط مختلف جهان از سوی انجمن ها و مراکز اسلامی برپا و مراکز اسلامی و شخصیت های چون: رهبران چهار حزب در پاکستان، اتحادیه اسلامی انگلستان "فتحی یکن" دبیر کل جماعت اسلامی لبنان، چهل شخصیت دینی و علمی لبنان، مجلس شورای ملی تونس، مفتی کشور تونس، ولی عهد اردن، جمعیت مؤسسان سودان، علّال الفاسی رهبر حزب استقلال مراکش احمد الخطیب یکی از رهبران نهضت مردم مغرب، رئیس رابطه العلماء عراق، شیخ أمجد الزهاوی.....

با ارسال پیام هایی برای عبدالناصر خواستار تجدید نظر در حکم اعدام او شدند ولی علی رغم موج گسترده اعتراضات در داخل و خارج، حکومت مصر در سحرگاه روز ۱۹۶۶/۸/۹ حکم اعدام رابه مرحله اجرا در آورد. (۳)

تالیفات سید قطب

سید معتقد بوجود روحیه ای اصیل و اسلامی در کشور مصر بود، مقصدی که جوانان با شور و اشتیاق تمام به آن روی آورده و در راه آن با مبارزه و جهاد تا سرحد شهادت فداکاری و ایثار می کنند، همین باور او را بر آن داشت تا همه مطالعات، مشاهدات، تجارب شخصی و تلاش خود را در راه اعتلای اسلام به کار بسته و چون سربازی از جان گذشته به میدان اندیشه و کار و تحقیق و تالیف وارد شود و در زمینه های مرتبط با این هدف تالیفات با ارزشی به میراث فرهنگی غنی اسلام تقدیم دارد، این نوشته ها غالباً "باموضوعات مختلف ادبی، تربیتی، سیاسی، اقتصادی،

اجتماعی، فلسفی و دینی نگارش یافته و در سطح کشورهای اسلامی و عربی انتشار یافته است. آثار او در مجموع به بیست و پنج کتاب بالغ می شود، این آثار به جز کتابهایی است که به او نسبت داده شده و اکنون در دسترس نمی باشد، و چه بسا به صورت مقالاتی در روزنامه یا مجله ای منتشر گردیده و از دست رفته باشد. " امریکائی شاهدت"، "کتب و شخصیات"، "القصه بین التوراة والقرآن"، المنطق الوجدانی فی القرآن و.....از جمله این گونه آثار بشمار می روند. مجموعه آثار سید قطب را می توان به دودسته ادبی و دینی و به شرح زیر تقسیم کرد. (۴)

آثار ادبی:

الف) نقد و تحلیل:

- ۱- مهمّة الشاعر فی الحیاة.
- ۲- التصوير الفنی فی القرآن.
- ۳- مشاهد القيامة فی القرآن.
- ۴- النقد الادبی اصوله ومناهجه.
- ۵- نقد کتاب مستقبل الثقافة مصر.

ب) قصّه:

- ۶- طفل من القرية.
- ۷- الاطیاف الاربعه.
- ۸- الاشواک.
- ۹- المدینه المسحورة.

ج) تعلیم و تربیت:

۱۰- القصص الديني.

۱۱- الجديد في اللغة العربية.

۱۲- الجديد في المحفوظات.

۱۳- روضه الطفل.

آثار ديني واجتماعي :

۱۴- العدالة الاجتماعيه في الاسلام.

۱۵- السلام العالمى والاسلام.

۱۶- نحو مجتمع اسلامى.

۱۷- في ظلال القرآن.

۱۸- خصائص التصور الاسلامى.

۱۹- معركة الاسلام والرأسمالية.

۲۰- الاسلام ومشكلات الحضاره.

۲۱- دراسات اسلاميه.

۲۲- هذا الدين.

۲۳- المستقبل لهذا الدين.

۲۴- معالم في الطريق.

۲۵- في التاريخ فکرة ومنهاج.

کتابهای یاد شده به جزقوائد وداستانهاومقالاتی است که درروزنامه هاومجلاتى مانند: الرساله، اللواء، الجديد، الدعوه، الصرخه، مصرالفتاه، المسلمون، الاشتراکيه و.....منتشر شده است. برخی ازاین گونه آثار

عبازتنداز:

قصائد:

الف - الشاطئ المجهول.

ب - حلم الفجر.

ج - قافلة الرقيق

د - نهاية المطاف.

ه - حلم قديم.

و - انتهينا.

ز - في الصحراء.

ح - من بواكير الكفاح.

داستان:

الف - من الاعماق.

ب - الى الاسكندرية.

ج - ستوق الرقيق.

د - تلميذه.

ه - عذراء.

و - خطيئه.

ز - ح - أب.

مقالات:

الف - نحن الشعب.

ب - الكتلة الاسلاميه.

ج - الى الاحزاب الاسلاميه.

د - مدارس للسخط.

ه - دفاعا عن الفضيله.

مقالات در نقد آثار بزرگان در زمینه های شعر، ادب، داستان

الف - خان الخليلی از نجیب محفوظ.

ب - الملك اوديب از توفيق الحكيم.

ج - همزات الشياطين از عبدالحميد جوده السخار.

د - وحى الاربعين و سارة از عباس محمود العقاد.

ه - شعر محمود ابو الوفا.

و - ادب الرافعى.

ز - دعوة الكاشانى الى مؤتمر الاسلامى.

ح - ماذا خسر العالم بانحطاط المسلمين.

ط - بين الفلسفه والعلم از على ادهم.

ي - دفاعا عن البلاغه از محمد حسن الزيات.

س - من مفارقات التفكير از اسماعيل مظهر.

ع - التناسق الفنى فى القرآن.

ف - هذه هى الاغلال از عبد الله القصيمى.

کوشش برای جمع آوری و ارائه یک تفسیر نوین از قرآن که فهم آن آسان باشد از مدتها قبل مورد نظر برخی از علماء و دانشمندان قرار داشت. تفسیر رشید رضا که در سهای محمد عبده را جمع آوری کرده و به نام تفسیر المنار منتشر شد نمونه ای از این تلاش است. البته رشید رضا فقط دوازده جزء از این تفسیر را جمع آوری و به چاپ رساند، پس از او شیخ مراغی و محمد فرید وجدی دنبال این کار را گرفته و تفسیرهای مختصر و ساده ای بر قرآن نوشتند.

سید قطب و تفسیر فی ظلال القرآن :

در همین زمینه سید قطب تفسیر " فی ظلال القرآن " را به سبک جدید و ساده درسی جزء جزء نگاشت، چند جزء از این تفسیر را آقای " احمد آرام " ترجمه نمود و به نام " در سایه قرآن " منتشر کرد. سوره های حمد و بقره از این تفسیر را نیز آقای دکتر مصطفی خرم دل در یک جلد بزرگ به فارسی برگرداند. دکتر محمد یوسف موسی استاد دانشگاه قاهره در شماره اول از مجلد ۲۵ مجله الازهر سال ۱۳۷۳ هجری مقاله مبسوطی درباره تفسیر فی ظلال القرآن نوشت و به روش بحث و امتیازات این تفسیر اشاره کرد. این تفسیر با اسلوب و روش بدیع سهل ترین راه فهم قرآن را در اختیار شیفتگان و علاقه مندان به کلام الهی می گذارد و برای کسانی که مایل باشند به طور مستقیم به معانی و مقصود کلام الهی برسند صرف نظر از اضافات و تفصیلات بهترین تفسیر و مرجع می باشد (۵). آری به حقیقت قرآن چراغی است که شعله آن فرو نمی نشیند، چشمه زاینده ای است که واردان بدان از آن نمی کاهند. نشانه هائی است که روندگان بی آنهاره نمی یابند دلیل کسی است که به آن سخن می گوید، نگهدارنده کسی است که به آن عمل کند، سپر کسی است که به برگردد، دانائی کسی است که در گوش دارد.....

سید قطب در مقدمه این تفسیر تحت عنوان : در سایه قرآن می گوید: در قرآن نعمتی است که ارج و ارزشش رانمی شناسد جز کسی که خود از آن چشیده باشد، نعمتی است که بر عمر می افزاید و پاکیزه و مبارکش می گرداند "..... سپس می افزاید " روزگاری در سایه قرآن آرمیده و از آن اوج به جهالتی می نگرستم که در پهنه زمین موج می زد، می دیدم که ساکنان آن به چیزهای بی ارزش و ناچیز عشق می ورزند و در راه آن می کوشند..... در سایه قرآن می دیدم که میان انسان همانگونه که خدایش خواسته و میان این جهانی که پروردگارش آفریده هم نوائی و هماهنگی استوار و زیبایی برقرار است..... در سایه قرآن انسان را آن اندازه بزرگ می دیدم

که بامقیاسهای گذشته و آینده بشر قابل محاسبه و بیان نیست، او بانفخه ای ربّانی انسان است " فاذا سوّيته ونفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين ". (آنگاه که او را آراسته و پیراسته نمودم و از روح متعلق بخود در او دیدم پس برایش سجده و تعظیم کنید) حجر ۲۹/ او باین نفخه جانشین خدادر زمین است: " واذ قال ربّك للملائكة ائني جاعل في الارض خليفة ". (آنگاه که پروردگارت به فرشتگان گفت: در زمین جانشینی قرار می دهیم) بقره ۳۰/ وهرآنچه در زمین است همه از بهر او سرگشته و فرمانبردار: " و سخر لكم ما في السموات وما في الارض جمعيا " (آنچه از نعمتهای الهی در آسمانها و زمین است همه را مسخر شما کردیم) جاثیه ۱۳/.

در سایه قرآن آموختیم که درین جهان بیکران تضادف کور و کور وجهش ناگهانی فاقد اعتبار است: " انا كل شيء خلقناه بقدر " (ماهر چیزی زابه اندازه و بمقتضای حکمت آفریدیم) (قمر / ۴۹). در سایه قرآن با خاطر آسوده و اندرون آرام و دل روشن به زندگی ادامه داده و دست خدادر هر کار و هر امری می دیدم..... در سایه قرآن مطمئن شدم که هیچگونه اصلاحی برای ساکنان زمین و هیچ آسایشی نصیب بشریت نمی گردد و ترقی و تعالی و برکت و طهارت و همگامی و هماهنگی با قوانین جهان و فطرت حاصل نمی شود مگر با برگشت به سوی خدا. آری برگشت دادن همه امور زندگی به آئین خدائی و منهج الهی که مقررات آن را خداوند در کتاب خود، قرآن مجید برای بشریت روشن کرده است " (۶).

در کتاب التصوير الفنی فی القرآن بیشتر روی تصاویر قرآنی و جنبه های خیال انگیزی و صحنه پردازیهای هنری آن تکیه شده است. سید قطب در مقدمه این کتاب در فصل چگونه قرآن را یافتیم، می گوید:

" مرابا این کتاب سروسری است، خردسال بودم که قرآن را می خواندم ولی نه توانائی درک آن را داشتم و نه همای اندیشه ام می توانست برستیغ بلند معانی

واغراض عالی آن نشیند و افق‌های گسترده آن را نظاره کند، اما باین همه میلی بدان رادردل خویش احساس می‌کردم..... مصادیق ساده ای که در آن روزگار راهزن خیالم بود تصویری بود که پس از خواندن آیاتی چون: "ومن الناس من یعبد الله علی حرف - حج / ۱۱"، "واتل علیهم نبأ الذین آتیناه آیاتنا فانسلخ منها - اعراف / ۱۷۶" در برابر من مجسم می‌شد..... در گنجینه خیال من از اینگونه تصاویر فراوان بود که هم تأمل در آنها برای من لذت انگیز می‌نمود و هم به سبب آنها شوقم در خواندن قرآن فزونی می‌گرفت و هر بار که قرآن می‌خواندم همان تصاویر کودکانه را دنبال می‌کردم، دریغ که آن روزگاران خوش با همه خاطره های ساده و شیرین آن سپری شد و دوره دیگر آمد وارد مراکز علمی شدم و به مطالعه تفاسیر قرآن پرداختم و از زبان استادان خود تفسیر آیات را شنیدن گرفتم..... تا آنکه مستقیم به قرآن باز گشتم، مصحف عزیز را در کنار گرفتم و کتب تفسیر به سوئی نهادم و باز همان تصاویر دلکش و لذیذ گذشته را در آن باز یافتم جز آنکه دیگری به سادگی آن روزگاران نبود. زیرا برداشت من از آنها دگرگون شده بود و آگاه شده بودم که در کجا ایراد است و در کجا نیست، بهر حال افسون همان افسون و جاذبه همان جاذبه بود، سپاس خدای را که قرآن را از نو باز یافته بودم بر آن شدم که نمونه هائی جدید از این تصاویر دلپسند را که در قرآن بازمی‌یابم به مردم بنمایانم و از جمال هنری قرآن پرده هائی چند بردارم و از آن قدرت شگرفی که توانسته است با معدودی واژه های مجرد کاری کند که کلک هیچ نگارگر و دوربین هیچ عکاسی نمودن، آن را نمی‌تواند سخنی گویم. دست بکار این پژوهش شدم اما چه دیدم؟ گویی حقیقتی تازه بر من آشکار شده بود، مدار قرآن بر تصویر استوار بود و در تمام اغراض روش تعبیر مطالب غیر از مسائل تشریحی بر همان پایه تصویر بنا شده بود، هنگامی که به پایان این پژوهش رسیدم گویی زایشی نو از قرآن در خویش احساس کردم چنانکه گویی هرگز ندیده بودم

نویسنده تصویر الفنی پس از این مقدمه ضمن ارائه فصولی متنوع از افسون قرآن و راز جاذبه آن، از تصویر هنری، نقش خیال و تجسم، هماهنگی هنری، ویژگیهای هنری داستان، شخصیت نگاری و روش قرآنی..... به تفصیل سخن می گوید و رمز جاودانگی این آهنگ دلنشین و کلام الهی را برمی شمارد.

سید قطب در کتاب *النقد الأدبی أصوله و مناهجه* به وظیفه نقاد ادبی از نظر فنی و بیان ارزش موضوعی و ارزشهای تعبیری و احساس آن و تعیین جایگاه آن در خط سیر ادب و مشخص کردن آنچه که به میراث ادبی زبان و جهان ادب افزوده است و اندازه گیری میزان تاثیر پذیری از محیط و تاثیرش در آن بحث و گفتگومی کند. به عقیده او نقص چشمگیر این است که اصولی که در حد کفایت روشن باشد برای نقاد ادبی وجود ندارد و همینطور روشهایی نیز وجود ندارد که این اصول آن را دنبال کند و بیشتر آنچه که پیرامون این موضوع نوشته شده اجتهاد شخصی است و مادامی که اصول وضع نشده و روشهای این مسأله به حد کافی مشخص نگردیده باشد کافی به نظر نمی آید، طبیعی است بررسیهای نقدی تطبیقی زیاد و متنوعی در مورد ادب و ادب وجود دارد، اما این چیزی غیر از بررسیهایی است که موضوع نقدی یعنی اصول و روشهای آن به عهده دارد و قوانین آن را وضع کرده و روشهای آن را تعیین نموده و نشان می دهد. بنابراین کتاب با توجه به طبیعت مباحثش به دو بخش تقسیم می شود در بخش اول مؤلف کوشیده است اصول و قواعدی برای نقد وضع کند تا تنها ذوق و سلیقه خاص محک نباشد و در بخش دوم به بیان روشهای نقد در قدیم و جدید می پردازد. بخش اول نمونه محسوس برای نظریات مجرد و اجرائی عملی برای روشهای مقرر می باشد و در بخش دوم از روشها که عبارتند از روش نقد فنی، روش تاریخی، روش روان شناسی و روش متکامل که شاید جامع ترین تقسیم از روشهای نقد باشد سخن می گوید^(۸).

در کتاب: *فی التاریخ فکرة و منهاج*، ضمن بررسی بیازنویسی تاریخ اسلامی

در تعریف تاریخ می‌گوید: " تاریخ تنها حوادث نیست بلکه تفسیر این حوادث و راهیابی به پیوندهای آشکار و پنهان است که از جمع آوری آنها یک مجموعه زنجیره ای بهم پیوسته در امتداد زمان و محیط بمثابه موجودی زنده به وجود می‌آید. و در ادامه تاکید می‌کند تاریخ اسلامی بخاطر غل و جهات فراوان و بخاطر مصلحت و واقعیت و اُمت اسلامی و جهات خاص انسانی لازم است باشیوه و روش خاصی بازنویسی و تدوین گردد". او با اشاره به نقص اظهار نظرهای مورخین اروپایی از روی داده های اسلامی و بحث های مستشرقین و تاریخ مادر شکل عربی قدیم پیشنهاد می‌کند بازنویسی مجدد تاریخ اسلامی در چند مرحله: اسلام در عهد پیامبر (ص) یا مرحله نفوذ و گسترش اسلام دوره انحطاط و توقف نفوذ و گسترش اسلام - و دنیای امروز اسلام به شیوه خاص و با نراهت کامل انجام گیرد، او ارزش اینگونه بحث و بررسیها را در تجزیه و تحلیل، اتخاذ روش و ارائه خط و جهت و ترسیم راه و مسیری داند که هرگاه مورخ و پژوهشگر در این کار موفق گردد بالاترین توفیقات را بدست آورده است (۹).

آثار اسلامی به جامانده از سید قطب نشان می‌دهد که او اسلام را یک ایدئولوژی جهانی و همه جانبه میداند که در هر عصر و زمانی برای بشریت لازم و ضروری بوده و دستوراتش قابل اجرا می‌باشد. او در کتاب: "معركة الاسلام والراسمالیه" (۱۰): می‌نویسد: "اگر می‌خواهیم اسلام عامل نجات باشد باید حکومت کند و باید فهمید که این دین نیامده است تا در معابد گوشه نشین شود، نیامده است تا در درون دلها لانه بگیرد بلکه آمده است حکومت کرده و زندگی را به وضع شایسته‌ای اداره کند، آمده است تا اجتماعی مترقی، کامل و مطابق با سلوپی که خود در باب زندگی دارد بسازد، اگر می‌خواهیم اسلام در برابر مشکلات اجتماعی و قومی و دیگر مشکلات مقاومت کند، دردهای ما را درمان کند و برای علاج آنها راه چاره نشان دهد باید با حکومت و تشکیلات حکومتی افکار و مقررات خود را به مرحله اجرا در آورد، اسلام

نمی‌تواند بدون حکومت، ثروت را طبق احتیاجات اجتماع توزیع کند و میان کاروباداش تعادل برقرار سازد یا تساوی امکانات در زندگی برای عموم فراهم نماید و نیروهای عاطل را به کار تولید بسیج کند یا اعضاء دولتش را وادار کند که در مجامع بین المللی موقعیت خاص برای خود تحصیل کند و یا لشکر آماده و نیروی مجهز داشته باشد..... من با ایمان کامل معتقدم تنهاره نجات ما مسلمانها از گرفتاریها بازگشت بسوی یک عقیده محکم و بزرگ است تا این پستی و بینی ارزشی را از دامان ملل اسلامی فروریزد و زندگی این امت را از حرکت و فعالیت و روح پیشرفت پر سازد و این عقیده محکم و پرمایه برای کشور ما و ممالک مشابه آن فقط اسلام است.

آری اسلام باید حکومت کند، زیرا اسلام از اول هم به ماهیت حکومت آگاه بوده و هم به طبیعت زندگی آشنا تر است، لذا اسلام بدون حکومت و ملت مسلمان بدون اسلام معنی ندارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: "ومن لم يحكم بما انزل الله ولئك هم الكافرون"، (کسانیکه حکومت نمی‌کنند به آنچه خدا نازل فرموده است بر صفحه حقایق پزده می‌کشند، آنها گروه کافرانند) این آیه تصریح می‌کند که حکومت باید حکومت اسلامی باشد و کسی که مخالف با حکومت اسلامی است نمی‌تواند مدعی مسلمانی باشد." (۱۱)

سید قطب عقیده دارد دین اسلام نظامی است که کسانی که تن به ضعف و ذلت می‌دهند مستوجب عذاب الیم می‌باشند. او عقیده دارد اسلام پیروان خود را در راه احقاق حق به مبارزه و جنگ تحریض و تشویق میکند، و می‌فرماید هر کس در راه طلب حقش کشته شود شهید است. او عقیده دارد اسلام مردمی را که در مقابل حکومت ظالم سکوت کرده و کوچکترین عکس العملی از خود نشان نمی‌دهند بیم داده و می‌ترساند او در کتاب "دراسات اسلامیه" (۱۲) تحت عنوان: الاسلام یکافح (اسلام مبارزه می‌کند) می‌نویسد:

"آنهائی که خیال می کنند مکتبهای اجتماعی دیگر دنیا می توانند آنچنان که اسلام می تواند باستمگران و یاغیان مبارزه کرده و ازستم دیده ها و زجر کشیده های مجرور اجتماعات بشری دفاع کند یا اشتباه کرده یا مغرضند یا از اسلام و حقیقت آن چیزی دزک نکرده اند. و آنهائیکه خیال می کنند مسلمانند ولی باستمگریها و بیدادگریها نمی جنگند و از حقوق همه رنج دیده ها و ستم کشیده های جهان دفاع نمی کنند یا اشتباه می کنند و یا منافقند و یا از اسلام چیزی نفهمیده اند. زیرا اسلام واقعی نهضت آزادی بخشی است که نخست دل افراد و سپس اجتماعات بشری را از ترس قید و بند زورمندان آزادی سازد و اگر به بیند ظلم و ستم درجائی برقرار است و کسی به فریاد مظلومین نمی رسد باید در وجود داشتن ملت مسلمان در آن محیط شک کرد زیرا از دو حال خارج نیست یا اسلام هست و یا نیست، اگر هست که اسلام مبارزه و جهاد پی گیری و دامنه دار و سپس شهادت در راه خدا در راه حق و عدالت و مساوات است و اگر نیست نشانه آن است که همه به ورد و ذکر مشغولند، می خواهند که از آسمان خیر و برکت و آزادی و عدالت ببارد ولی هرگز دعای آنها مستجاب نخواهد شد و هرگز خداوند در وضع قومی دگرگونی ایجاد نمی کند مادامی که خود وضع خود را تغییر ندهند پس اسلام چیست؟ اسلام یک عقیده و طرز فکر انقلابی است انقلاب در تمام شئون زندگی..... انقلاب در فکر و در ادراک و احساس در راه های زندگی، در روابط فرد و اجتماع..... انقلابی که خواستار برقراری مساوات کامل بین همه مردم دنیا است که هیچکس را بر دیگری جز با پرهیزکاری برتری نباشد" (۱۳)

در باره کتاب دراسات اسلامیة سید قطب، استاد محب الدین خطیب سردبیر سابق مجله الازهر در مقدمه ای که بر این کتاب نوشته ضمن تحسین مطالب کتاب و بحث های متنوع آن که بازبان قدرت در باره حقائق گفتگومی کند از آن به ادب القوة تعبیر می نماید (۱۴).

محمد علی قطب در کتاب سید قطب او ثورة الفکر الاسلامی بانگش مبسوطی به نوشته‌های سید قطب ابعاد وجوانب شخصیت فکری او را ترسیم کرده و نقاط بارز آن را در دقت و دوراندیشی، پایداری، ایمان به جامعیت اسلام و روحیه انقلابی او نشان می‌دهد و نمونه‌های آن را به ترتیب از کتابهای: تفسیر فی ظلال القرآن بخش تفسیر سوره اسراء و کتاب السلام العالمی والسلام بحث طبیعت صلح در اسلام و کتاب التصوير الفنی فی القرآن قسمت "قرآن رایافتنم" و کتاب دراسات اسلامیه مقالات: خذوا الاسلام جمله و محطم الطواغیت شاهد مثال می‌آورد. کتاب معالم فی الطريق که سید قطب در آن سیاست های شیطانی دنیای غرب و شرق را بر ملا نموده موجب می‌شود که دولت مصر به دستور اربابان خارجی خود او را به پای میز محاکمه بکشاند و کتاب او را از کتابهای ممنوع و مضر اعلام نماید.

اغلب تالیفات سید قطب به زبانهای مختلف دنیا از جمله انگلیسی، افغانی ترجمه و منتشر شده اند و بخش عمده ای از آنها نیز به زبان فارسی ترجمه شده است، کتابهایی مانند: مشاهد القیامه فی القرآن - التصوير الفنی فی القرآن - الاسلام و مشکلات الحضاره - خصائص التصور الاسلامی و مقوماته - السلام العالمی و الاسلام - معركة الاسلام و الراسمالیه، هذا الدین، المستقبل لهذا الدین " متفکر اسلامی غلال الفاسی رهبر حزب استقلال مراکش در مجله العالم المغربیه شماره ۱۶-۱۳۸۶ می‌نویسند: "سرانجام نویسنده بزرگ اسلامی سید قطب و دو نفر از هم‌زمانش را به اتهام فعالیت علیه دولت به اعدام محکوم کرده و آنها را به شهادت رساندند، آری این سرنوشت همه دعوت‌کنندگان به خیر و پاکی است و آنان نیز مشتاقانه از شهادت استقبال نمودند.

از نوشته‌ها و کتابهای سید قطب روشن می‌شود علت اصلی اعدام او موضوع تفکر و اندیشه، حکومت اسلامی بوده است موضوعی که او را به جوخه دار سپرد. آیا واقعا "تفکر و اندیشه در باره پیدایش حکومت اسلامی مجازاتش بازداشت

و شکنجه و سالها زندان و اعدام است؟"

مجله الدعوة ارگان حزب إخوان المسلمین در شماره چهارم، سال بیست و پنجم ۱۳۹۶ می نویسد: " هنگامی که ماموران دولتی به خانه سید قطب ریخته و او را دستگیر ساختند در منزلش جز کتابهای: فی ظلال القرآن، معالم فی الطریق، مشاهد القیامه فی القرآن، المستقبل لهذا الدین، العدالة الاجتماعية فی الاسلام، ودها کتاب دیگر که عمرش را در نگارش آنها صرف کرده بود چیز دیگری نیافتند....." در ادامه می افزاید: " سید قطب نویسنده بزرگ اسلامی را به خاطر داشتن کتابهای: فی ظلال القرآن - العدالة الاجتماعية و معالم فی الطریق به چوبه دار آویختند و تالیفات او را در مصر ممنوع نمودند در حالیکه به سرعت در سرتاسر کشورهای اسلامی منتشر می گشت."

اغلب افراد خانواده قطب مانند او اهل علم و فضیلت و مبارزات اجتماعی علیه ظلم و ستمگران بودند از جمله آنها برادر دانشمندش محمد قطب است که صاحب آثار زیر نیز می باشد:

۱- الانسان بین المادية والاسلام.

۲- جاهلیة القرن العشرين.

۳- شبهات حول الاسلام.

۴- منهج الفن الاسلامی.

۵- منهج التربية الاسلامیة.

۶- معركة التقالید.

۷- فی النفس والمجتمع.

۸- التطور والثبات فی حياة البشر.

۹- دراسات فی النفس الانسانیة.

۱۰- هل نحن مسلمون؟

۱۱- قیسات من الرسول.

۱۲- دراسات قرآنیة.

محمد قطب مانند برادرش سید قطب سالها با خاطر این تالیفات تحت نظر و دربار داشت بسربرده و برخی از کتابهای اونیز به فارسی ترجمه شده اند. همچنین خواهران سید قطب، حمیده و امینه قطب و پسرخواهرش رفعت بکرالشمی از علاقه مندان به اسلام و منادیات عزت و سربلندی مسلمانان بودند. نمونه ای از کتاب: فی التاریخ فکرة و منهاج (۱۵).

اسلام هرگز نمی میرد

اگر مقدر بود جهان اسلامی متلاشی گشته و از میان برود باید در خلال قرون گذشته که در فشار و ضعف بسر می برد به نابودی کشیده می شد، زمانی که عالم اسلام در بند غل و زنجیر گرفتار و نیروی هرگونه حرکتی به ضعف مبدل گشته بود آنهم پس از سالیان بسیاری که رأیت تمدن بشری را بدوش می کشیده که در پی آن به حالت رخوت و سستی درآمده و استعمار غربی هر نوع فرصتی را در چهارچوب جهان اسلام غنیمت شمرده و بخش عمده کره ارض را تحت سیطره خود درآورده بود، که در این رهگذر سینه جهان اسلام محل ثقل استعمار غربی تلقی می شد. اگر تقدیر این بود عالم اسلامی مضمحل گشته ازین برود، بدون تردید در دوره ضعف و سستی خود و ایام جوانی و قدرت استعمار مرده بود..... ولی دیدیم این امت نمرد، بلکه چون یک اندام تنومند و قوی هیکل، قید و زنجیرها را پاره کرده و در برابر استعمار سالخورده قد برافراشت.

زمانی که انسان به اوضاع جهان امروز نظر می کند، این حرکت، بالندگی و آمادگی مبارزه را در ملت های اسلامی آشکارا مشاهده می کند، حتی یک چنین جهش و بیداری در دیگر ملت های استعمار شده جهان کنونی به چشم می خورد، و این امید

پیداشده و خون تازه ای دررگهای آنان به جریان افتاده است و نهاییه ازبین خاکسترهانورکمرنگی سوسومیزند که بی شک درآینده مشتعل خواهد شد. اکنون این سئوال مطرح است، چه باعث شد که ملت های (ستم دیده) پس از قرن هاضعف وانحطاط وغفلت زدگی دومرتبه زنده گشته و ازحالت خواب به هشیاری رسیده اند؟

رمزباندگی این امت عقیده قوی وعمیقی است که استعماربعدازفشارهای فکری وروحي واجتماعی وسیاسی نتوانسته آن رانا بود ساخته وازمیان بردارد..... آری این اعتقاد، پیروانش رابه بزرگی وآقائی فرامی خواند ولله العزة ولرسوله وللموءمنین - منافقون / ۸ (عزت مخصوص خداورسول واهل ایمان است).

همچنانکه عقیده راسخ گروندگانش رابرای نیل به این بزرگی وعظمت به مقاومت ومبارزه باقدرتهای جائر وعدم سازش بابرقدرتها فرامی خواند، هرچند که نیروی مادی آنهاخیره کننده باشد، زیرا نیروی مادی تنها، موجب خوف وترس ایمان آورندگان بخدای قاهر وآفریننده آسمانهاوزمین نخواهد شد.

این عقیده مستحکم رمزبقاء وباندگی این ملت هاگردیده وموجب نهضت وخیزش آنهاشده است. بلی این همان عقیده ای است که تمامی جنبش هاوخیزش هایی که درمقابل استعماربه فعالیت برخاسته اند به اصلی ازاصول آن بازمی گردد. این مساله یک حقیقت شایان توجه است که باید به آن توجه کنیم تا به اهمیت این عقیده درمبارزات خودواقف گردیم ویدانیم استعمارهرگزراحت ننشسته وبه هروسپله ای می کوشد این عقیده رادرهم کوبد وبنیانگذاران ومبلغین رادرسرتاسر کشورهای اسلامی ازمیان بردارد وبه طورکلی وجوداین عقیده رازنگ خطری برای خوداحساس می کند. استعمارگرچه ارزیابی درستی ازاین کارنداشته ولی بخوبی فهمیده است که فریادها ازهمه سوبلند گشته وپیروان خداوند قاهر درصف های منظم علیه اوسبیج شده اند.

استعمار تلاش زیادی بکاربرد و فعالیت های زیادی نمود تا جایی که برخی پنداشتند دزکارش موفق شده و آتش مشتعل این عقیده به سردی و خاموشی گراییده است. که ناگهان باجوش و فریاد سراسری ملت ها علیه استعمار مواجه شدند.

اکنون کلیه ملت های اسلامی از همه سوی جهان بایک خروش علیه استعمار جهانی بسیج شده اند و به حوادث و قضایای نهضت های آزادی بخش در نقاط مختلف جهان چشم دوخته اند، طبیعی است عقائد اسلامی به مسائل و نهضت های آزادی بخش توجه داشته و از آنها در هر جا حمایت می کند. آری روز رهایی نزدیک گشته و در افق پیروزی، آثار آن طالع و فجر امید نورباران شده است. جهان اسلامی، پس از این فریادها و غرشها دیگر به خواب غفلت نمی رود و پس از این جهشها و انگیزشها هرگز نمی میرد.

آری اگر مقدر بود دنیاى اسلامى بمیرد، تاکنون مرده بود، ولی عقیده زنده ای که اورا به مبارزه با دشمنان واداشته هرگز نمی میرد، زیرا سرچشمه این عقیده از (روح الله) است و خدائیز (حی لایموت). (۱۶)

پانوشتها

- (۱) الزرکلی، خیرالدین - الاعلام - المجلد الثالث، ص ۱۴۸ - بیروت - ۱۹۷۹
- (۲) فتحی یکن - الموسوعه الحرکيه - ص ۱۱۰ المجلد الاول - عمان - ۱۹۸۳
- (۳) ماخذ سابق، ص ۱۱۲.
- (۴) العسماوی احمد سلیمان - العالم الریانی سید قطب - ص ۹
- (۵) محمد علی قطب، سید قطب او ثورة الفکر الاسلامی، ص ۱۰۰، بیروت -

۱۳۸۶ هـ

- (۶) دکتر مصطفی خرم دل - ترجمه فی ظلال القرآن - ص ۳ - ۱۰ - سندج -

- ۱۳۶۲
- (۷) محمد مهدی فولادوند - آفرینش هنری ذرقرآن - ص ۱۵ - ۱۱ - تهران - ۱۳۶۰
- (۸) سید قطب - النقد الادبی اصوله و مناهجه - بیروت
- (۹) سید قطب - فی التاریخ فکرة و منهاج - ص ۳۷ - بیروت - ۱۹۷۹
- (۱۰) سید قطب - معركة الاسلام و الراسمالیه - ص ۱۵ - بیروت ۱۹۷۹
- (۱۱) سید قطب - مقابله اسلام با سرمایه داری - ترجمه دکتر سید محمد رادمنش - ص ۵۳ تهران ۱۳۶۰
- (۱۲) سید قطب - دراسات اسلامیه - ص ۳۱ بیروت - ۱۹۷۳
- (۱۳) سید قطب - عدالت اجتماعی در اسلام - ترجمه سید هادی خسروشاهی - ص ۲۴-۲۵ - قم ۱۳۴۶
- (۱۴) محمد علی قطب - سید قطب - الشهيد الاعزل - ص ۱۱۲ - القاهرة
- (۱۵) سید قطب - فی التاریخ فکرة و منهاج - ص ۷
- (۱۶) برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به: زینب الغزالی - ایام من حیاتی - القاهرة ۱۹۷۷ - رتیشارد میتشل - ایدئولوژیته جماعة الاخوان المسلمین - ترجمه منی أنیس - عبدالسلام رضوان - طبع القاهرة.